

پیش‌بینی دینداری در دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم براساس

سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی

(بررسی موردی ناحیه ۲ شهر ارومیه)^۱

حسین جلیل‌زاده^۲

حیدرعلی زارعی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی دینداری در میان دانش‌آموزان براساس سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی آن‌هاست. روش تحقیق از نوع توصیفی - همبستگی است و جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان متوسطه دوم ناحیه ۲ شهر ارومیه است که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ تحصیل می‌کردند. از میان این دانش‌آموزان، ۳۷۵ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده و با پرسشنامه‌های دینداری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۸)، فرم کوتاه سبک‌های تفکر استرنبرگ، واگنر و زانگ (۲۰۰۷) و فرم کوتاه پرسشنامه صفات شخصیت گلدبرگ (۱۹۹۹) مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. برای تحلیل فرضیه‌های پژوهش نیز از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سبک‌های تفکر قانونی، قضایی، اجرایی، کلی‌نگر، جزئی‌نگر، سلسله‌مراتبی، سلطنتی، درونی و بیرونی با دینداری رابطه مثبت ($P < 0/01$) و سبک‌های تفکر محافظه‌کار و هرج و مرج طلب با دینداری رابطه منفی و معناداری دارند ($P < 0/05$). از انواع صفات پنج‌گانه شخصیتی نیز به جز روان‌رنجوری که رابطه منفی معناداری با دینداری دارد، سایر صفات رابطه مثبت معناداری با دینداری نشان داده‌اند ($P < 0/01$). نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه نیز نشان می‌دهد که انواع سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی توان پیش‌بینی دینداری را در دانش‌آموزان متوسطه دوم دارند ($P < 0/01$). بنابراین نتایج تحقیق شواهدی را مبنی بر ارتباط ویژگی‌های مطلوب روان‌شناختی با متغیر دینداری فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: دینداری، سبک‌های تفکر، صفات شخصیتی، ویژگی‌های روان‌شناختی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۱۳؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲.

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ارومیه، ایران

eshojaeikia@yahoo.com

۳- استادیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، خوی، ایران (نویسنده مسئول).

alizarei@iaukhoy.ac.ir

بیان مسئله

گرایش به مذهب و دینداری، موضوعی است که همواره در طول تاریخ به صورت‌های گوناگون مورد توجه انسان‌ها بوده است (محبوبی، ۱۳۹۴). در زمینه علم روان‌شناسی نیز دین به‌عنوان یکی از موضوعات مورد مطالعه همیشه مدنظر محققان بوده؛ به طوری که تحقیقات در زمینه‌های مختلف این حوزه از جمله تأثیر دین و مذهب بر سلامت جسمی و روانی و مقابله با تنیدگی در سطوح مختلف سنی به‌طور چشمگیری فزونی یافته است (رفاهی^۱ و همکاران، ۲۰۱۵؛ منصورنژاد و کجیاف، ۱۳۹۱). دین حقیقتی است که در جنبه‌ها و ابعاد گوناگون زندگی انسان حضور جدی و قابل توجهی دارد. افزایش تحقیقات مربوط به دینداری خود معرف مهم بودن این مقوله در زندگی انسان‌هاست (فقیهی، عباری‌بناب، خدایاری‌فرد و شکوهی‌یکتا، ۱۳۸۵).

دینداری آثار فراوانی در ابعاد مختلف زندگی و شخصیت انسان دارد (مهری‌نژاد و شریفی، ۱۳۹۶). اسپیکلا، شاور و کرکپاتریک^۲ (۱۹۸۵) معتقدند مذهب در فرایند مقابله با حوادث و مشکلات دارای سه نقش است: ۱- فراهم کردن معنایی برای زندگی، ۲- کمک به افراد برای داشتن احساسی از کنترل هنگام مواجهه با موقعیت‌های مختلف و ۳- ایجاد حسی از اعتماد به نفس برای افراد (به نقل از ریاحی، وردینیا و بنی‌اسدی، ۱۳۸۷).

صفات شخصیتی براساس سوابق نظری و تجربی از جمله موارد مرتبط با دینداری است (داوری، باقری و بنی‌اسدی، ۱۳۹۰). تعداد صفات شخصیتی و رده‌بندی آن‌ها از مسائل اساسی در روان‌شناسی شخصیت است. معمولاً برای توصیف شخصیت هر فرد به ویژگی‌های شخصیتی او اشاره می‌شود. شخصیت عبارت از مجموعه‌ای سازمان‌یافته، واحد و متشکل از خصوصیات ثابت و مداومی است که بر روی هم یک شخص را از شخص دیگر متمایز می‌کند (فیست، فیست و رابرتس^۳، ۱۳۹۴).

یکی از الگوهای با اهمیت در خصوص شخصیت، الگوی ۵ عامل بزرگ شخصیت است (علیزاده، فیضی، رجالی، افشار، کشتلی^۴ و ادیبی، ۲۰۱۷).

-
- 1- Refahi
 - 2- Spikla, Shaver, Kirkpatrick
 - 3- Feist, Feist & Roberts
 - 4- Keshteli

گلدبرگ^۱ اظهار می‌کند که الگوی ۵ عامل بزرگ شخصیت برای پژوهشگران علاقه‌مند به شناسایی تفاوت‌های فردی زیربنایی در شخصیت، همانند یک کشف بنیادی به نظر می‌رسد. چهارچوب ۵ عامل بزرگ شخصیت، یک مدل سلسله‌مراتبی از ویژگی‌های شخصیتی با ۵ عامل کلی است که در انتزاعی‌ترین سطح ارائه می‌شود. هر عامل دارای دو قطب است. برای مثال برون‌گرایی در مقابل درون‌گرایی که به چندین عامل ویژه‌تر خلاصه شده است. این الگو شامل زیرمقیاس‌های ۱- روان‌رنجوری یا روان‌آزردگی^۲، ۲- برون‌گرایی^۳، ۳- تجربه‌پذیری^۴، ۴- توافق‌پذیری^۵ و ۵- وظیفه‌شناسی^۶ است (اردلان، اسکندری، گیلانی و عطایی، ۱۳۹۳).

در سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در رابطه با دینداری و شخصیت افراد صورت گرفته است. برای نمونه یافته‌های دهستانی (۱۳۹۴) نشان داده که همبستگی معناداری بین ابعاد مختلف دینداری و عوامل شخصیتی وجود دارد. به این ترتیب که برون‌گرایی تنها عامل شخصیتی است که با دینداری ارتباط معناداری ندارد و تجربه‌پذیری مهمترین پیش‌بینی کننده ابعاد دینداری است. یافته‌های والا و جمالی (۱۳۹۳) نیز نشان می‌دهد که بین عمل به باورهای دینی و ویژگی‌های شخصیتی کارکنان ناجا رابطه معناداری وجود دارد. به این ترتیب که بین باورهای دینی با ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری رابطه منفی معنادار و با برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، وظیفه‌شناسی و توافق‌پذیری رابطه مثبت معنادار دارد.

نتایج آقابابایی و بلچنیو (۱۳۹۳) نشان داده که در هر دو بافت ایرانی و لهستانی عامل‌های شخصیتی صداقت - فروتنی، همسازی و وظیفه‌شناسی با دینداری درونی رابطه مثبت دارند. صداقت - فروتنی نیرومندترین عامل شخصیتی همبسته با دینداری است. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه دینداری با بهزیستی فاعلی مثبت، ضعیف و تا اندازه‌ای ناشی از عامل‌های شخصیتی است. داوری و همکاران (۱۳۹۰) رابطه دو متغیر صفات پنج‌گانه شخصیتی و دینداری را در جامعه معلمان بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که ابعاد شخصیت برون‌گرایی، توافق‌پذیری و

-
- 1- Goldberg
 - 2- neuroticism
 - 3- extraversion
 - 4- Openness to experience
 - 5- Agreeableness
 - 6- conscientiousness

وظیفه‌شناسی با دینداری رابطه مثبت و روان‌رنجوری با آن رابطه منفی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داده که ابعاد برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی در همه معلمان به‌طور مثبت و بعد روان‌رنجوری به‌صورت منفی، دینداری را پیش‌بینی می‌کند.

یافته‌های بشلیده و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان می‌دهد که دینداری با روان‌رنجوری رابطه منفی و با برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی رابطه مثبت دارد. همچنین بین عقاید مذهبی و تجربه‌پذیری رابطه معناداری به دست نیامده است. پژوهش عباسی و جان‌بزرگی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که از میان ۵ عامل بزرگ شخصیت، توافق‌پذیری و مسئولیت‌پذیری پایاترین همبستگی را با دینداری دارند و بین پایداری هیجانی و جهت‌گیری مذهبی رابطه وجود دارد.

در پژوهشی جهانگیرزاده و قربانی (۱۳۸۱) نیز نشان داده‌اند که ارتباطی بین ویژگی‌های شخصیتی و جهت‌گیری دینی وجود دارد. اما در این پژوهش برخلاف انتظار، قدرت پیش‌بینی دین‌داری برای عوامل شخصیت چشم‌گیر نیست. از سوی دیگر از میان عوامل شخصیت، پایداری هیجانی بیش از عوامل دیگر نوع جهت‌گیری دینی را پیش‌بینی می‌کند. عامل پایداری هیجانی، به‌طور مثبت پیش‌بینی کننده جهت‌گیری درونی و به‌صورت منفی پیش‌بینی کننده برخی ابعاد جهت‌گیری بیرونی و جهت‌گیری جست‌وجو است. عامل وظیفه‌شناسی نیز جهت‌گیری دینی فرهنگی را پیش‌بینی می‌کند. اما شواهدی دال بر تأیید نقش عوامل توافق‌پذیری و تجربه‌پذیری در پیش‌بینی جهت‌گیری دینی به دست نیامده است.

فرنهام و چانگ^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان می‌دهند که همه صفات شخصیتی به‌طور معناداری با پیشینه دینداری ارتباط دارند و صفات توافق‌پذیری، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی به‌صورت مثبت و روان‌رنجوری و تجربه‌پذیری به‌صورت منفی با پیشینه دینداری ارتباط دارند. پژوهش هنینگزگارد و آرنثو^۲ (۲۰۰۱) نیز نشان می‌دهد که سوگیری مذهبی درونی با توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی مرتبط است و سوگیری مذهبی برونی با روان‌رنجوری ارتباطی مثبت دارد. ساراوغلو^۳ (۲۰۰۲) در یک مطالعه فراتحلیلی بین دینداری و شخصیت نشان می‌دهد که بین دینداری با برون‌گرایی، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری رابطه مثبت و با روان‌رنجوری یک رابطه منفی وجود دارد. وینک، سی‌سیولا، دیلون و تریسی^۴ در یک پژوهش طولی با ۲۰۹ آزمودنی زن و مرد، رابطه

1- Furnham & Cheng

2- Henningsgand, Arnau

3- Saroglou

4- Wink, Ciciolla, Dillon, Tracy

مذهبی بودن، معنویت و شخصیت را مطالعه کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مذهبی بودن با وظیفه‌شناسی و توافق‌پذیری رابطه مثبتی دارد و معنویت نیز رابطه‌ای مثبت با توافق‌پذیری در بزرگسالی دارد (به نقل از مهری‌نژاد و شریفی، ۱۳۹۶).

از جمله متغیرهای روان‌شناختی دیگر که ممکن است با دینداری ارتباط داشته باشد، سبک‌های تفکر است. باتوجه به ماهیت مسایل و مفاهیم دینی، می‌توان گفت که مفهوم سبک‌های تفکر تا حدودی با مفاهیمی که در دین مطرح می‌شود، همخوانی دارد (بوزدر، علی و تارقی، ۲۰۱۵). داشتن قدرت تفکر، انسان را از سایر جانداران برتر ساخته است. آنچه در زندگی برای افراد اتفاق می‌افتد، نه تنها به میزان خوب اندیشیدن، بلکه به چگونگی تفکر آن‌ها نیز مربوط است (محمدی‌گوندیره، ۱۳۹۱).

رابرت استرنبرگ^۲ (۱۳۸۹) سبک‌های تفکر را شیوه‌های ترجیح داده شده افراد در تفکر و استفاده از توانایی‌های خود می‌داند. وی در نظریه خودحکومتی ذهنی خویش مطرح می‌کند که انواع شیوه‌های مختلف حکومتی موجود در جهان تصادفی نبوده، بلکه انعکاس بیرونی افکار ذهنی انسان‌هاست. براین اساس و با استفاده از استعاره حکومت، استرنبرگ ۱۳ سبک تفکر را مطرح می‌کند که به ۵ بعد قابل تفکیک هستند: ۱- کارکردها: شامل سبک‌های تفکر قانونی (خلاق بودن)، قضایی (ارزیابی افراد دیگر یا بازدهها) و اجرایی (انجام تکالیف با توجه به دستورات داده شده). ۲- شکل‌ها: شامل سبک‌های تفکر سلسله‌مراتبی (اولویت‌بندی تکالیف فردی)، سلطنتی (کار روی یک تکلیف در یک زمان)، الیگارش^۳ (کار روی تکالیف چندگانه اولویت‌بندی) و هرج و مرج طلب (کار روی تکالیفی بدون محدودیت درباره «چه»، «کجا»، «کی» و «چگونه» انجام دادن کارها). ۳- سطح‌ها: شامل سبک‌های تفکر کلی (تمرکز بر تصویر کلی) و جزئی (تمرکز بر جزئیات). ۴- حوزه‌ها: شامل سبک‌های درونی (انجام تکالیف به تنهایی) و بیرونی (کار با دیگران). ۵- گرایش‌ها: شامل سبک‌های آزاداندیش (اتخاذ رویکردی بدیع نسبت به انجام تکالیف) و محافظه‌کار (استفاده از شیوه‌های سنتی در انجام تکالیف) (استرنبرگ، ۱۹۹۷؛ زارعی و سرداری، ۱۳۹۲).

نتایج پژوهش زارعی و میرهاشمی (۱۳۹۱) در بین دانش‌آموزان نشان داده که سبک‌های تفکر قضایی، اجرایی، سلسله‌مراتبی، آزاداندیش، بیرونی و سبک‌های نوع اول ارتباط مثبت معنادار و سبک

1- Buzdar, Ali & Tariq

2- Sternberg

3- oligarchic

تفکر هرج و مرج طلب ارتباط منفی معنادار با سازگاری تحصیلی دارند و ۲۰/۴ درصد از واریانس سازگاری تحصیلی براساس سبک‌های تفکر قابل تبیین است.

رابطه سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی نیز مورد توجه محققان بوده است (بلیکس و ایسکری^۱، ۲۰۰۵). محققان معتقدند هر چند بین این دو متغیر ارتباط وجود دارد، با این حال سبک‌های تفکر، مستقل از صفات شخصیتی بوده و زیرمجموعه این صفات قرار نمی‌گیرند (فان، زانگ و چن^۲، ۲۰۱۸). زانگ^۳ (۲۰۰۶) و (۲۰۰۲) در پژوهشی رابطه بین سبک‌های تفکر و ۵ صفت بزرگ شخصیتی مطرح شده توسط کاستا و مک‌کری^۴ را در دانشجویان هنگ‌کنگی و چینی مورد بررسی قرار داده و دریافته که سبک‌های نوع اول با نمره‌های تجربه‌پذیری ارتباط مثبتی دارند. اما با نمرات مقیاس روان‌رنجوری رابطه منفی دارند. درحالی‌که به‌طور کلی مشخص شده که سبک‌های تفکر نوع دوم با نمره‌های روان‌رنجوری رابطه مثبت و با نمره‌های مقیاس تجربه‌پذیری ارتباط منفی دارند.

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بین ۳ متغیر دینداری، صفات شخصیتی و سبک‌های تفکر به‌صورت همزمان مطالعه نشده و یک خلاء پژوهشی در این زمینه وجود دارد. مسئله اصلی که در این زمینه وجود دارد این است که به نظر می‌رسد بعضی از سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی با دینداری همخوانی بیشتری دارند و می‌توانند میزان دینداری را پیش‌بینی کنند. بنابراین با عنایت به اهمیت مسئله دینداری و نقش آن در همه ابعاد زندگی بشر، هدف و سؤال اصلی پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که آیا می‌توان از طریق متغیرهای سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی، میزان دینداری در افراد را پیش‌بینی کرد؟

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی ۱۱ هزار و ۸۵۹ دانش‌آموز (۵ هزار و ۲۳۷ دختر و ۶ هزار و ۶۲۲ پسر) متوسطه دوم آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر ارومیه است که در سال تحصیلی (۹۶-۱۳۹۵) تحصیل می‌کردند. از این تعداد، ۳۷۵ نفر

-
- 1- Balkis & Isiker
 - 2- Fan, Zhang, Chen
 - 3- Zhang
 - 4- Costa & McCrae

از دانش‌آموزان براساس جدول کرجسی و مورگان^۱ (۱۹۷۰ به نقل از خوی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۳۳۳) به‌عنوان نمونه آماری و به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند که در مرحله اول مدارس به‌صورت تصادفی و در مرحله دوم چند کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. بر همین اساس تعداد ۱۶۶ دانش‌آموز دختر و ۲۰۹ دانش‌آموز پسر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

برای جمع‌آوری داده‌ها از ۳ پرسشنامه استاندارد شده استفاده شده است. به‌منظور اندازه‌گیری میزان دینداری از پرسشنامه دینداری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۱) استفاده شده که این پرسشنامه متشکل از ۱۰۲ سؤال سنجش دینداری در ۳ مؤلفه باور دینی، عواطف دینی و التزام و عمل به وظایف دینی و نیز ۵ سؤال اندازه‌گیری وانمود اجتماعی یا تلاش برای ارائه تصویر مطلوب اجتماعی از خود، از نظر مذهبی است. مقیاس اندازه‌گیری هر یک از عبارات مؤلفه‌ها در پرسشنامه به‌صورت طیف لیکرت ۶ درجه‌ای (بسیار موافقم، موافقم، تاحدی موافقم، تاحدی مخالفم، مخالفم و بسیار مخالفم) است. نمره هر مؤلفه براساس امتیاز هر عبارت مؤلفه با هم جمع می‌شود. نمره کل دینداری نیز از جمع نمره هر مؤلفه با هم به دست می‌آید. همچنین سؤالات وانمود اجتماعی در جمع نمره کل دینداری محاسبه نمی‌شوند.

پایایی این پرسشنامه توسط سراج‌زاده و رحیمی (۱۳۹۲) با آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۹) گزارش شده است. خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۱) با استفاده از شیوه تفاوت‌های گروهی، به‌عنوان شاهدهی برای بررسی روایی سازه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان، به مقایسه نمره‌های میانگین دانشجویان شاهد و دانشجویان عادی پرداخته‌اند. آن‌ها مشاهده کرده‌اند که میانگین نمره‌های دانشجویان شاهد در مقیاس نگرش دینی ساخته شده توسط این محققان بالاتر از میانگین نمره‌های دانشجویان عادی در آن مقیاس است که می‌توان آن را دلیلی بر دارا بودن روایی سازه این ابزار دانست.

برای اندازه‌گیری سبک تفکر در پژوهش حاضر، از فرم کوتاه پرسشنامه سبک‌های تفکر استرنبرگ - واگنر و زانگ^۲ (۲۰۰۷) استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۶۵ سؤال در مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای است و از ۱۳ خرده‌آزمون تشکیل شده است. هر خرده‌آزمون شامل ۵ سؤال است که انواع سبک تفکر را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری آن به‌صورت مقیاس ۷ درجه‌ای (همیشه - اصلاً) است.

1- Krejcie & Morgan
2- Sternberg, Wagner & Zhang

پایایی فرم کوتاه پرسشنامه در پژوهش زارعی (۱۳۹۳) با روش بازآزمایی بررسی شده و میانگین ضرایب همبستگی برای خرده‌آزمون‌های پرسشنامه برابر (۰/۵۹) گزارش شده که در سطح (۰/۰۱) معنادار بوده است. در تحقیق حاضر نیز برای تعیین همسانی درونی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده و مقدار ضرایب همه خرده‌آزمون‌ها و کل آزمون بیشتر از (۰/۷۰) هستند. روایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی و از طریق روش مؤلفه‌های اصلی تأیید شده است (امامی‌پور، ۱۳۸۲).

برای اندازه‌گیری صفات پنج‌گانه شخصیتی از پرسشنامه ۵ عامل بزرگ شخصیت گلدبرگ (۱۹۹۹) استفاده شده است. این پرسشنامه نسبت به فرم کوتاه پرسشنامه شخصیتی نئو^۱ سؤالات کمتری دارد و پاسخ‌گویی به سؤالات آن برای دانش‌آموزان آسان‌تر است. این پرسشنامه پنجاه گویه‌ای ۵ عامل شخصیت را که عبارت از برون‌گرایی، توافق‌پذیری، روان‌رنجوری، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری است، می‌سنجد. درجه‌بندی پرسشنامه براساس مقیاس ۵ درجه‌ای است و گویه‌های منفی به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش گلدبرگ، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برای عامل توافق‌پذیری (۰/۸۲)، وظیفه‌شناسی (۰/۷۹)، روان‌رنجوری (۰/۸۶)، تجربه‌پذیری (۰/۸۴) و برون‌گرایی (۰/۸۷) گزارش شده است. (فرمانی، افلاک‌سیر، خرمایی و ملازاده، ۱۳۹۳). همچنین خرمایی و فرمانی (۱۳۹۳) ضرایب آلفای کرونباخ عامل‌های وظیفه‌شناسی و توافق‌پذیری (۰/۸۰)، تجربه‌پذیری (۰/۷۸)، برون‌گرایی (۰/۷۷) و روان‌رنجوری (۰/۸۸) را گزارش کرده است. میزان ضریب آلفای کرونباخ در این تحقیق نیز برای صفات پنج‌گانه شخصیتی از (۰/۷۳) تا (۰/۸۱) به دست آمده است. درخصوص روایی این پرسشنامه نیز احیاء‌کننده، یوسفی و خرمایی (۱۳۹۶) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی ۵ عامل بارزش ویژه بیشتر از یک به دست آورده‌اند که با پرسشنامه اصلی همسو بوده است.

در تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و روش‌های آمار استنباطی (همبستگی و رگرسیون چندگانه)^۲ استفاده شده است. بعد از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های مورد نظر تمام اطلاعات از طریق بسته نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۲ تجزیه و تحلیل شده است.

1- NEO Five-Factor Inventory (NEO FFI)

2- Multiple regression

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اصلی تحقیق را نشان می‌دهد. همچنین ضریب همبستگی بین متغیرهای سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی با دینداری در ستون آخر ارائه شده است.

جدول ۱: اطلاعات توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق (n=۳۷۵)

نوع متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	همبستگی با دینداری
دینداری	باور دینی	۹۱/۱۸	۲۴/۶۸	-
	گرایش و عواطف دینی	۶۹/۲۳	۱۲/۶۲	-
	التزام و عمل به وظایف دینی	۱۸۳/۴۱	۴۴/۲۶	-
	شناخت دینی	۴۷/۶۳	۵/۳۱	-
سبک‌های تفکر	قانونی	۱۹/۵۳	۳/۲۲	-.۲۴۸**
	اجرایی	۱۷/۶۷	۲/۱۴	-.۳۶۱**
	قضایی	۱۹/۴۲	۲/۸۶	-.۴۸۳**
	کلی	۱۶/۳۳	۲/۵۴	-.۳۹۱**
	جزیی	۱۷/۲۴	۳/۷۶	-.۲۶۷*
	آزاداندیش	۱۸/۶۹	۲/۴۲	-.۱۹۸
	محافظه‌کار	۱۶/۶۰	۳/۳۷	-.۲۵۱*
	سلسله‌مراتبی	۱۹/۸۲	۳/۴۵	-.۵۸۱**
	سلطنتی	۱۷/۴۵	۴/۲۱	-.۲۶۶*
	الیگارش‌ی	۱۷/۳۱	۲/۴۴	-.۱۷۳
	هرج و مرج طلب	۱۷/۸۴	۳/۶۶	-.۳۹۵*
	درونی	۱۵/۳۲	۲/۹۳	-.۳۹۰**
بیرونی	۱۹/۶۲	۲/۴۵	-.۲۸۴*	
صفات شخصیتی	روان‌رنجوری	۱۸/۹۳	۷/۴۲	-.۶۴۱*
	برون‌گرایی	۲۴/۴۳	۶/۱۲	-.۵۷۴**
	تجربه‌پذیری	۲۵/۳۸	۵/۲۷	-.۴۹۵**
	توافق‌پذیری	۲۹/۶۸	۴/۳۵	-.۶۸۱**
	وظیفه‌شناسی	۳۵/۴۴	۷/۳۳	-.۷۴۴**

*./۰.۰۵P≤ **./۰.۰۱P≤

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که مؤلفه باور دینی دارای میانگین (۹۱/۱۸) و انحراف استاندارد (۲۴/۶۸) است. سبک تفکر سلسله‌مراتبی دارای بیشترین میانگین (۱۹/۸۲) و سبک تفکر درونی دارای کمترین میانگین (۱۵/۳۲) است. با توجه به نتایج آخرین ستون جدول تمامی مؤلفه‌های سبک‌های تفکر به غیر از مؤلفه‌های آزاداندیش و الیگارش‌ی با دینداری دارای ارتباط معناداری است. همچنین براساس جدول بالا از بین زیرمقیاس‌های ۵ عامل بزرگ شخصیتی، وظیفه‌شناسی با میانگین (۳۵/۴۴)، بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده است. همچنین براساس نتایج جدول بالا بین صفات شخصیتی با دینداری دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد ($P \leq 0/01$).

فرضیه اصلی پژوهش

سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی توان پیش‌بینی دینداری در دانش‌آموزان متوسطه را دارند. برای آزمون اصلی پژوهش از رگرسیون چندمتغیری به روش همزمان استفاده شده که مؤلفه‌های سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی متغیر پیش‌بینی کننده و دینداری متغیر ملاک هستند. قبل از انجام رگرسیون، مفروضه‌های این آزمون شامل نرمال بودن توزیع داده‌ها، نبود هم‌خطی چندگانه و استقلال خطاها یا باقیمانده‌ها بررسی شده است. مقدار شاخص کجی و کشیدگی برای همه متغیرها در دامنه $+1$ تا -1 قرار دارند. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین در حد متوسط و کمتر از $(0/50)$ هستند و در نهایت مقدار آزمون دوربین - واتسون^۱ برابر $(1/89)$ است. به این ترتیب وجود هر ۳ مفروضه در داده‌ها تأیید می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه (R) برای رابطه متغیر سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی با دینداری $(0/521)$ است و ضریب تعیین مدل (R^2) برابر $(0/362)$ است. یعنی $(36/2)$ درصد تغییرات دینداری توسط سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی تبیین می‌شود. آماره دوربین - واتسون $(1/763)$ بوده و در فاصله $(1/5)$ تا $(2/5)$ است. این مقدار از آماره قابل قبول است و برای مدل بیان می‌کند که خود همبستگی بین جملات خطای مدل رگرسیونی رد می‌شود. برای آزمون معناداری مدل رگرسیونی از آزمون تحلیل واریانس یکسویه استفاده شده است. نتیجه آزمون نشان دهنده وجود رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بینی کننده و ملاک است ($p < 0/001$ ، $f(377,2) = 24/61$).

1- Durbin-Watson

نتایج برآورد پارامترها برای مدل رگرسیونی شامل ضرایب رگرسیون استاندارد نشده، استاندارد شده و مقدار ثابت در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج ضرایب استاندارد نشده و استاندارد شده مدل رگرسیونی برای پیش‌بینی دینداری براساس سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی

متغیرهای مستقل (پیش‌بین) و مقدار ثابت	ضرایب استاندارد نشده B	خطا ^۲	ضرایب استاندارد شده بتا ^۱	t	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	۲۳/۱۱۶	۵/۳۳۱		۴/۳۳۶	۰/۰۰۱
قانونی	۸/۶۸۳	۱/۶۵۱	۰/۴۳۳	۵/۲۵۹	۰/۰۰۱
اجرائی	۱/۷۰۹	۰/۵۱۹	۰/۰۸۳	۳/۲۹۰	۰/۰۰۱
قضایی	۹/۷۳۴	۱/۶۱۶	۰/۴۸۲	۶/۰۲۴	۰/۰۰۱
کلی	۱/۴۲۱	۰/۲۳۵	۰/۴۲۶	۶/۰۴۹	۰/۰۰۱
جزیی	۲/۰۵۳	۰/۵۴۷	۰/۶۰۸	۳/۷۵۳	۰/۰۰۱
آزاداندیش	-۱۲/۵۲۲	۱/۷۰۲	-۰/۳۰۹	-۷/۳۵۸	۰/۰۰۱
محافظه‌کار	۲/۲۰۶	۰/۴۸۳	۰/۷۰۳	۴/۵۶۸	۰/۰۰۱
سلسله‌مراتبی	۲/۰۹۴	۰/۳۷۱	-۰/۳۵۲	۵/۶۴۶	۰/۰۰۱
سلطنتی	۲/۷۰۸	۰/۳۴۷	-۰/۳۷۹	۱۰/۹۴۸	۰/۰۰۱
الیگارشی	۲/۳۳۵	۰/۲۷۰	۰/۴۶۰	۸/۶۴۵	۰/۰۰۱
هرج و مرج طلب	-۰/۲۴۹	۱/۱۵۶	-۰/۰۴۲	-۲/۴۷	۰/۲۸۵
درونی	۰/۲۶۴	۰/۰۹۴	۰/۱۵۶	۲/۷۹۹	۰/۰۰۱
بیرونی	۰/۱۴۸	۰/۰۴۵	-۰/۱۷۱	۳/۲۷۳	۰/۰۰۱
روان‌رنجوری	-۰/۱۸۶	۰/۰۳۴	-۰/۲۳۶	-۴/۸۸۷	۰/۰۰۱
برون‌گرایی	۰/۱۵۹	۰/۰۲۳	-۰/۳۹۴	۷/۲۳۷	۰/۰۰۱
تجربه‌پذیری	۰/۱۴۲	۰/۰۱۸	-۰/۳۴۱	۵/۴۵۰	۰/۰۰۱
توافق‌پذیری	۰/۱۲۷	۰/۰۵۵	۰/۱۴۷	۲/۸۱۲	۰/۰۰۱
وظیفه‌شناسی	۰/۶۸۸	۰/۰۴۱	۰/۴۲۲	۹/۷۸۳	۰/۰۰۱

1- Beta

2- Std. Error

همان‌طور که مشاهده می‌شود از آنجاکه سطح معنی‌داری آزمون برای همه پارامترهای مدل رگرسیونی از سطح خطای (۰/۰۱) کوچکتر است ($P < ۰/۰۱$)، با اطمینان ۹۹ درصد پارامترهای برآورده شده برای مدل رگرسیون خطی معنی‌دار خواهد شد. نتیجه می‌شود که مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است. معنی‌دار بودن اکثر پارامترهای برآورده شده مدل رگرسیون خطی به این معنی است که دینداری رابطه خطی معنی‌داری با سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی دارد. به عبارتی سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی توانایی پیش‌بینی دینداری را دارند. در نتیجه فرضیه اصلی پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد (در سطح خطای یک درصد) تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میزان دینداری دانش‌آموزان براساس سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی انجام شده است. نتایج حاصل از ضریب همبستگی در ارتباط بین سبک‌های تفکر با دینداری نشان می‌دهد که جز سبک آزاداندیش و الیگارش، سایر سبک‌های تفکر رابطه معناداری با دینداری دارند. به این ترتیب که سبک‌های محافظه‌کار و هرج و مرج طلب به صورت منفی و سایر سبک‌ها (قانونی، قضایی، اجرایی، سلسله‌مراتبی، سلطنتی، درونی، بیرونی، جزءنگر و کل‌نگر) به صورت مثبت با دینداری رابطه دارند. این یافته با نتایج پژوهش بوزدر و همکاران^۱ (۲۰۱۵) که نشان داده‌اند تفکر منطقی با دینداری رابطه دارد، همخوان است.

نتایج این یافته کاملاً با ویژگی‌های ذکر شده برای انواع سبک‌های تفکر در نظریه استرنبرگ (۱۹۹۷) مطابقت دارد. برای نمونه افراد دارای سبک الیگارش ترجیح می‌دهند که در یک محدوده زمانی بر روی چند موضوع کار کنند، بدون اینکه هیچ اولویتی را در نظر بگیرند. در حالی که دینداری و انجام مناسب دینی نیازمند توجه و تمرکز و رعایت سلسله‌مراتب است. بنابراین در تبیین این یافته به نظر می‌رسد ویژگی‌های خاص هر سبک تفکر در گرایش به دینداری افراد مؤثر باشد.

در بخش دیگری از نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون مشخص می‌شود که همه ۵ صفت شخصیتی رابطه نسبتاً قوی و معناداری با دینداری دارند؛ روان‌رنجوی به صورت منفی و بقیه صفات شخصیتی به صورت مثبت با دینداری دارای رابطه هستند. نتایج حاصل با نتایج پژوهش‌های قبلی

همچون والا و جمالی (۱۳۹۳)، آقابابایی و بلچینو (۱۳۹۳)، داوری و همکاران (۱۳۹۰)، بلشیده و همکاران (۱۳۸۹)، فرنهام و چانگ (۲۰۱۵) و ساراوغلو (۲۰۰۲) کاملاً همخوان است و با برخی از تحقیقات قبلی همچون دهستانی (۱۳۹۴) تا حد زیادی همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می‌توان به تأثیرات مثبت دینداری در روان انسان اشاره کرد. بدون شک دینداری میزان توانایی و سطح تحمل افراد را در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی افزایش داده و آن‌ها را برای غلبه بر چالش‌ها و تغییرات در زندگی یاری می‌دهد. همچنین دینداری و به قدرت بزرگتر ایمان داشتن یک عامل حمایتی عمده محسوب می‌شود و اعتقادات مذهبی به‌عنوان تکیه‌گاه و پشتیبان برای سازگاری بیشتر فرد، عمل می‌کند. بر همین اساس می‌توان رابطه منفی روان‌رنجوری و رابطه مثبت سایر صفات شخصیتی با دینداری را تعبیر و تفسیر کرد.

در نهایت همسو با نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی، نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه نیز نشان می‌دهد که می‌توان از طریق انواع سبک‌های تفکر (به‌جز سبک تفکر هرج و مرج طلب) و صفات شخصیتی دانش‌آموزان، میزان دینداری آنان را پیش‌بینی کرد. این یافته‌ها در داخل کشور با یافته‌های عبدالهی و سفیری (۱۳۹۵)، دهستانی (۱۳۹۴)، سلمانپور و همکاران (۱۳۹۱)، داوری و همکاران (۱۳۹۰)، بلشیده و همکاران (۱۳۹۰)، عباسی و جان‌بزرگی (۱۳۸۹)، جهانگیرزاده و قربانی (۱۳۸۸) و شکری و همکاران (۱۳۸۵) و در خارج از کشور نیز با یافته‌های فرنهام و چانگ (۲۰۱۵)، آقابابایی، بلچینو (۱۳۹۳)، هنینگزگارد و آرنئو (۲۰۰۸)، وینک و همکاران (۲۰۰۲) به نقل از مهری‌نژاد و شریفی، (۱۳۹۶)، زانگ (۲۰۰۶) و ساراوغلو (۲۰۰۲) همسو است.

بنابراین در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان گفت باتوجه به نظریه استرنبرگ که هیچ سبک تفکر خوب یا بدی وجود ندارد و سبک‌های تفکر تنها شیوه‌های ترجیحی افراد در استفاده از توانایی‌ها هستند، بنابراین دانش‌آموزان در محیط‌هایی که با سبک‌های تفکرشان همخوانی دارند، بهتر از محیط‌هایی عمل می‌کنند که با سبک تفکرشان همخوان نیست. همچنین استرنبرگ (۱۳۸۹) معتقد است تناسب بین سبک تفکر و سطوح گوناگون توانایی امری پیچیده است که این امر تحت تأثیر متغیرهای پیچیده‌ای مانند فرهنگ، جنسیت و... قرار دارد. بنابراین یافته به دست آمده در این فرضیه بدین شکل قابل توجیه است که چون دانش‌آموزان نمونه تحقیق در یک کشور با فرهنگ اسلامی رشد و پرورش می‌یابند، به همین دلیل ارتباط متقابلی بین شیوه‌ها یا سبک‌های تفکر آن‌ها با دینداری به وجود می‌آید.

بنابراین باتوجه به تأثیرپذیری سبک تفکر از محیط و آموزش‌پذیر بودن آن‌ها از یک سو و حاکمیت فرهنگ دینی و سیستم آموزشی اسلامی در جامعه ما از سوی دیگر، وجود ارتباط بین سبک

تفکر و دینداری را امکان‌پذیر می‌سازد. مخصوصاً که در فرهنگ دینی و قرآن کریم به کرات به نقش و اهمیت جایگاه تفکر در دین و زندگی اسلامی تأکید شده است. از دیگر سو افراد در زندگی روزانه خود برپایه باورهای شخصی و دیدگاهی که درباره دیگران، خود (به‌عنوان مثال من شایسته هستم)، جهان (به‌عنوان مثال جهان عادلانه است) یا هر دو (به‌عنوان مثال من می‌توانم جهان را تغییر دهم) دارند، رفتار می‌کنند. این باورها و دیدگاه‌ها برای فرد یک نظام معنایی و سبک تفکر شکل می‌دهند. این نظام معنایی به فرد اجازه می‌دهد که به جهان اطراف خود معنا دهد و براساس این معنادگی به انتخاب هدف و سپس تفکر، عمل و رفتار مبتنی بر اهداف انتخاب شده بپردازد. دین می‌تواند منبع عظیم و بی‌نظیری برای نظام معنادگی فرد باشد. مؤلفه‌های نظام معنادگی متأثر از دین شامل باورها، تفکرات، هم‌بندها، انتظارات و اهداف، به‌عنوان نقطه مرکزی هیجانان و اعمال فرد عمل می‌کنند.

در تبیین رابطه بین صفات شخصیتی و دینداری می‌توان اینگونه بیان کرد که دین هدف زندگی را برای فرد دیندار روشن کرده و مایه تسلی‌خاطر در شرایط دردناک و تهدیدکننده است. باورهای دینی و دینداری باعث می‌شود فرد رویدادهای غیرمنتظره را کمتر تهدیدکننده ارزیابی کند و قادر باشد رویدادهایی غیر قابل تغییر را بپذیرد. از این دیدگاه فرد زمانی که با نیروی بزرگتری در ارتباط است و اهداف و ارزش‌های والاتری دارد، دارای عملکرد بهتری است. یکی دیگر از پیامدهای دینداری، احساس قدرت و آرامش درونی بیشتر است. در شرایط دشوار، دینداری و معنویت ممکن است تنها منبع دست یافتن به آرامش یا پذیرش موقعیت باشد. دینداری به افراد کمک می‌کند که هیجانان منفی خود را کاهش داده و از تنش و اضطراب خود بکاهند و بدین ترتیب صفات شخصیتی مطلوب را در خود توسعه و صفات شخصیتی نامطلوب مثل روان‌رنجوری را در خود کاهش دهند.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به نبود کنترل متغیرهایی از قبیل پایگاه اقتصادی و اجتماعی، حمایت خانوادگی به علت پیچیدگی متغیرها و محدود بودن جامعه آماری به دانش‌آموزان و جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه خودگزارشی اشاره کرد. لذا در تعمیم نتایج باید احتیاط کرد و در پژوهش‌های دیگر تا حد امکان از مصاحبه و سایر ابزارهای تشخیصی نیز استفاده شود.

براساس نتایج به دست آمده از این پژوهش به نظر می‌رسد با شناسایی سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی دانش‌آموزان می‌توان روش‌ها و راه‌حل‌های بهتری برای ارتقاء دینداری دانش‌آموزان ارائه داد. به‌ویژه رابطه منفی روان‌رنجوری با دینداری بسیار قابل توجه بوده و همانند این تحقیق در همه تحقیقات قبلی نیز تأیید شده است. نظر به اینکه سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی از طریق آموزش قابل تغییر و اصلاح هستند، می‌توان از این روش برای افزایش دینداری در دانش‌آموزان استفاده کرد.

منابع

- احیاء‌کننده، م.؛ یوسفی، ف. و خرمایی، ف. (۱۳۹۶). پیش‌بینی سازگاری دانشجویان با دانشگاه براساس ویژگی‌های شخصیتی و هدف‌گرایی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۴(۲۶): ۱-۳۶.
- اردلان، م.؛ اسکندری، ا.؛ گیلانی، م. و عطایی، ن. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش سازمانی کارکنان با مدیریت سرمایه فکری. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۰(۱): ۱۴۸-۱۲۳.
- استرنبرگ، ر. ج. (۱۳۸۹). *سبک‌های تفکر*. ترجمه علاءالدین اعتماد اهری و علی‌اکبر خسروی. تهران: نشر دادار.
- آقابابایی، ن. و بلچنیو، آ. (۱۳۹۳). رابطه میان مدل شخصیتی هگزاگو، دینداری و بهزیستی فاعلی در دانشجویان ایرانی و لهستانی. *روان‌شناسی معاصر*، ۹(۱): ۲۸-۱۷.
- امامی‌پور، س. (۱۳۸۲). بررسی تحولی سبک‌های تفکر در دانش‌آموزان و دانشجویان و رابطه آن‌ها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. *فصلنامه نوآوری‌های آموزش*، ۳(۳): ۴۵-۵۶.
- بشلیده، ک.؛ هاشمی، س.؛ چرخ‌آبی، م. و دمیری، ح. (۱۳۹۰). ارتباط بین صفات شخصیتی و نگرش‌های مذهبی در دانشجویان با استعداد درخشان. *مجله علوم رفتاری*، ۵(۲): ۱۶۳-۱۵۷.
- جهانگیرزاده، م. و قربانی، ن. (۱۳۸۸). رابطه عوامل شخصیت و خودشیفتگی بیمارگون با جهت‌گیری مذهبی. *مجله روان‌شناسی و دین*، ۲(۲): ۴۱-۷۰.
- خدایاری فرد، م. و همکاران. (۱۳۸۸). *آماده‌سازی مقیاس دینداری و ارزیابی سطوح دینداری اقصاشار مختلف جامعه ایران*. طرح پژوهشی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- خرمایی، ف. و فرمانی، ا. (۱۳۹۳). بررسی شاخص‌های روانسنجی فرم کوتاه پرسشنامه ۵ عامل بزرگ شخصیت. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۴(۱۶): ۳۹-۲۹.
- خوی‌نژاد، غ. ر. (۱۳۸۰). *روش‌های پژوهش در علوم تربیتی*. تهران: سمت.
- داوری، ص.؛ باقری، م. و بنی‌اسدی، ح. (۱۳۹۰). پیش‌بینی دینداری با توجه به ابعاد شخصیت در معلمان زن و مرد. *روان‌شناسی و دین*، ۴(۴): ۲۶-۵.
- دهستانی، م. (۱۳۹۴). بررسی نقش عامل‌های شخصیتی در پیش‌بینی ابعاد مختلف دینداری در دانشجویان بر مبنای ۵ عامل بزرگ شخصیت. *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۹(۱۷): ۸۷-۱۱۴.
- ریاحی، م.؛ علی‌وردی‌نیا، ا. و بنی‌اسدی، م. (۱۳۸۷). بررسی اثرات دینداری و جهت‌گیری مذهبی بر سلامت روانی دانشجویان دانشگاه مازندران. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی*

- دانشگاه فردوسی مشهد، ۵ (۲): ۹۰-۵۱.
- زارعی، ح. ع. (۱۳۹۳). الگوسازی روابط بین سبک‌های تفکر و سازگاری آموزشی با پیشرفت تحصیلی. *روان‌شناسی*، ۱۸ (۱): ۴۴-۶۰.
- زارعی، ح. ع. و سرداری، ب. (۱۳۹۲). *سهم ناشناخته سبک‌های تفکر و یادگیری در فرایند آموزش*. تهران: ساوالان.
- زارعی، ح. ع. و میرهاشمی، م. (۱۳۹۱). ارتباط سبک‌های تفکر با سازگاری تحصیلی در دانشجویان پرستاری. *دوماهنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، ۱۰ (۳): ۳۸۹-۳۹۵.
- سراج‌زاده، س. و رحیمی، ف. (۱۳۹۲). رابطه دینداری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی. *راهبرد فرهنگ*، (۲۴): ۷-۳۰.
- سلمان‌پور، ح.؛ عباسی، م.؛ عیسی‌زادگان، ع. و قاسم‌زاده، ا. (۱۳۹۱). رابطه سوگیری مذهبی و صفات شخصیتی با وسواس مرگ. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۷ (۲۶): ۶۵-۸۸.
- عباسی، م. و جان‌بزرگی، م. (۱۳۸۹). رابطه جهت‌گیری مذهبی با پایداری هیجانی و شخصیت. *روان‌شناسی دین*، ۳ (۳): ۵-۱۸.
- فرمانی، ا.؛ افلاک‌سیر، ع.؛ خرمايي، ف. و ملازاده، ج. (۱۳۹۳). پیش‌بینی کارکردهای خاطره‌گویی براساس مدل ۵ عاملی شخصیت در سالمندان. *مجله علمی - پژوهشی سالمند*، ۹ (۲): ۱۵۰-۱۵۹.
- فقیهی، ع.؛ غباری‌بناب، ب.؛ خدایاری‌فرد، م. و شکوهی‌یکتا، م. (۱۳۸۵). بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن کریم و سنت. *فصلنامه اندیشه دینی*، ۶ (۱۹): ۴۱-۷۰.
- فیست، ج.؛ فیست، گ. ج. و رابرتس، ت. ا. (۱۳۹۴). *نظریه‌های شخصیتی*. ترجمه سیدمحمدی (ویراست هشتم). تهران: نشر روان.
- محبوبی، ر. (۱۳۹۴). ساخت مقیاس (بومی) برای سنجش دینداری. *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ۴ (۱): ۱۱۷-۱۳۴.
- محمدی‌گوندره، پ. (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های هویت و سبک‌های تفکر با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان. *علوم رفتاری*، ۴ (۱۳): ۱۳۳-۱۴۴.
- منصورنژاد، ز. و کجیاف، م. (۱۳۹۱). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و جنسیت با اضطراب مرگ در میان دانشجویان. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۲ (۱): ۵۵-۶۴.
- مهری‌نژاد، س. ا. و شریفی، م. (۱۳۹۶). رابطه مکانسیم‌های دفاعی سازگاران و ناسازگاران با دینداری در دانشجویان. *دوفصلنامه علمی - ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۵ (۸): ۱۱۷-۱۳۸.
- والا، ر. و جمالی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و باورهای دینی مورد مطالعه

کارکنان یگان‌های ویژه ناجا. *مجله علمی پژوهشی بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۱ (۲۹): ۸۳-۱۱۱.

Alizadeh, Z., Feizi, A., Rejali, M., Afshar, H., Keshteli, A. H., & Adibi, P. (2017). The predictive value of personality traits for psychological problems (stress, anxiety and depression): Results from a large population based study. *Journal of Epidemiology and Global Health*. (in press).

Balkis, M., & Isiker, G. B. (2005). The relationship between thinking styles and personality types. *Social behavior and personality. An International Journal*, 33(3): 283-294.

Buzdar, M. A., Ali, A., & Tariq, R. U. H. (2015). Religious orientations as a predictor of rational thinking among secondary school students. *Thinking Skills and Creativity*, 16: 1-8.

Fan, J., Zhang, L. F., & Chen, C. (2018). Thinking styles: Distinct from personality?. *Personality and Individual Differences*, 125: 50-55.

Furnham, A., & Cheng, H. (2015). Associations between education, gender, social class personality traits, and religious faith and service attendance in a British cohort. *Personality and Individual Differences*, 86: 63-66.

Goldberg, L. R. (1999). Abroad-bandwidth, public domain, personality Inventory measuring the lower-level facets of several five-factor models. *Personality psychology in Europe*, 7: 7-28.

Henningsand, Y. M., & Arnau, R. C. (2008). Relationships between rigidity and personality and personality: A multivariate analysis. *Personality and Individual Differences*, 45(8):703-708.

Refahi, Z. H., Bahmani, B., Nayeri, A., & Nayeri, R. (2015). The relationship between attachment to God and identity styles with Psychological well-being in married teachers. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 174: 1922 – 1927.

Saroglou, V. (2002). Religion and the Five five Factors factors of personality: A meta analytic review. *Personality and Individual Differences*, 32(1): 15-25.

Sternberg, R. J.(1997). *Thinking styles*. USA(NY): Cambridgeuni press.

Sternberg, R. J., Wagner, R. K., & Zhang, L. F. (2007). *Thinking styles inventory—Revised II (TSI-R2)*. Unpublished test, Tufts University.

Zhang, L. F. (2002). Thinking styles and the big five personality traits. *Educational psychology*, 22(1): 17-31.

Zhang, L. F. (2006). Thinking styles and The big five personality traits Revisited. *Personality and Individual Differences*,40(6): 1177-1187.